

بررسی نقش بیگانگان در تحولات آذربایجان ایران

نسیبه سعیدی حیدرآبادی

انتشارات تمدن ایرانی
۱۳۹۵

سرشناسنامه :	سعیدی حیدرآبادی، نسبیہ، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور :	بررسی نقش بیگانگان در تحولات آذربایجان ایران / تألیف نسبیہ سعیدی حیدرآبادی.
مشخصات نشر :	تهران: تمدن ایرانی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری :	۱۹۴ ص.
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۹۹۵۹-۳۷-۵ ریال: ۷۵۰۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیبا
یادداشت :	نمایه.
موضوع :	آذربایجانی‌ها -- هویت قومی
موضوع :	آذربایجان -- تاریخ -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره :	۱۳۹۳ س ۷ / آ ۴ / ۷۲ DSR
ه‌بندی دیویی :	۹۵۵/۹۷۴۲
شماره کتاب‌سازی ملی :	۳۶۱۵۶۱۷



بررسی نقش بیگانگان تحولات آذربایجان ایران

تألیف :	نسبیہ سعیدی حیدرآبادی
حروفچین :	محمود قره‌داغلی
طراح جلد :	خالد رسولی
ناشر :	انتشارات تمدن ایرانی
لیتوگرافی و چاپ :	کسری
نوبت چاپ :	اول - ۱۳۹۵
شمارگان :	۵۰۰ نسخه
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۹۹۵۹-۳۷-۵
قیمت :	۷۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۴۳

ص پ: ۹۱۹-۱۶۳۱۵ تلفکس: ۶۶۴۱۵۴۸۸ - ۶۶۴۱۵۴۶۷

www.rinsweb.ir

سایت مؤسسه مطالعات ملی:

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۵
فصل اول: مبانی و بسط ایدئولوژی پان ترکیزم در ایران	
بنیان‌های تاریخی - نظری پان ترکیزم	۱۹
تاریخچه پان ترکیزم	۳۰
پان ترکیزم در ایران	۳۳
جنگ جهانی اول؛ آغاز عملگرایی حزبی پان ترکیزم	۳۶
تأسیس جمهوری آذربایجان؛ تشدید منازعات ملی گرایانه	۴۳
تأسیس جمهوری جدید ترکیه؛ تغییرات راهبردی پان ترکیزم در ایران	۴۶
رقابت‌های نظری ترکیه با جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان	۵۵
فصل دوم: پیدایی فرقه دموکرات آذربایجان	
پشت پرده تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان: مزایای استراتژیک و ژئوپلیتیک ایران	۶۱
زمینه‌سازی‌های شوروی در تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان	۶۶
نخبگان، روشنفکران و مطبوعات؛ بازوهای اجرایی شوروی در آذربایجان	۷۳
سیاسی‌سازی زبان؛ تاکتیک تقویت ناسیونالیسم قومی در آذربایجان	۸۲
نفت شمال، آذربایجان ایران و دیپلماسی حزبی شوروی	۸۷
برآمدن فرقه دموکرات آذربایجان	۹۲
مطالبات قومی - زبانی فرقه دموکرات آذربایجان	۱۱۰

فصل سوم: باکو؛ پایگاه واگرایی قومی در ایران

- استمرار تلاش های تجزیه طلبانه بازماندگان فرقه دموکرات در باکو ۱۳۹
- پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشدید تحرکات تجزیه طلبانه قومی خارجی ۱۴۲
- جمهوری آذربایجان؛ هویت سازی ملی با اتکاء به نفی و جعل هویت آذری های ایران ۱۴۶
- پشتیبانی باکو از لابی های تجزیه گرایانه قومی ایران ۱۵۴

فصل چهارم: تلاش قدرت های فرامنطقه ای برای ایجاد تجزیه طلبی قومی در ایران

- راهبرد ی آمریکا ی تجزیه طلبی قومی در آذربایجان ایران ۱۶۱
- سوئد؛ نگاه اروپایی تجزیه طلبی قومی در آذربایجان ایران ۱۷۵
- منابع ۱۷۷
- پیوست ها ۱۸۳
- نمایه ۱۸۹

مقدمه

منازعه‌های هویتی بخش تفکاک‌ناپذیر تاریخ هر جامعه یا گروه اجتماعی پایدار است؛ همیشه در هر دوره تاریخی از حیات اجتماعات پایدار بشری، حداقل دو دسته گفتمان هویتی مخالف با درجانه تفاوتی از مراضه درگیر نوعی رقابت و ستیز با هم هستند؛ این تعارضات گرچه از نظام طبیعی ساختار حیات اجتماعی که انشقاق و چند دستگی جزوی از آن است برمی‌خیزد (کجویان، ۱۳۸۷: ۹۶)، اما بسته به بافت جمعیتی هر کشور، جغرافیای سیاسی و جغرافیای انسانی، و نیز حساسیت قومی با کشورهای همسایه از سوی دیگر به علاوه جایگاه جهانی آن کشور در نظام بین‌الملل و نزد قدرت‌های بزرگ، با نوسانات و فراز و فرودهایی مواجه است که می‌تواند سیر رقابت‌ها و رقابت‌ها را از مسیر اصلی خود منحرف کرده و آن را تبدیل به بحران کند.

در این رابطه، مروری بر سیر تاریخی تحولات هویتی جامعه ایران نشان می‌دهد که اگرچه وجه غالب و قاعده‌مند روابط قومیتی، مبتنی بر روابط مسالمت‌آمیز و هم‌گرایانه با یکدیگر و با دولت بوده است، اما در برخی برهه‌ها و مقاطع نیز شاهد برر مناقشات و منازعات قومی هستیم که دقت در دلایل ظهور آنها، ما را به نقش دخالت بیگانگان در ظهور این مناقشات رهنمون می‌سازد؛ به نحوی که می‌توان گفت، شکل‌گیری نگاه‌ها و خواسته‌های قومی در ایران بیش از آن که محصول مناسبات سیاسی و فرهنگی در خود ایران باشد، بازتاب شکل‌گیری تحولات قومیتی و تغییرات در ساختارهای سیاسی، فرهنگی و نظریه‌ی است که در خارج از مرزهای ایران به وقوع پیوسته‌اند. (بیات، ۱۳۷۳: ۱۴)

از این قرار، طی روندی تاریخی همزمان با سیاست‌های استراتژیک امپراتوری‌های

بزرگ روسیه و عثمانی که رقابت بین ایشان، در کنار طمع ورزی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری از جمله بریتانیا، فرانسه و کمونیسم شرقی، که جنگ‌های جهانی اول و دوم را موجب شد، پهن دامنگی حضور گروه‌های گوناگون در ایران را که دامنه فرهنگ آنان تا ورای مرزهای رسمی و سیاسی مملکت امتداد یافته را به چالشی برای این مملکت تبدیل کرد. چنان‌که رقابت برای نفوذ در این مناطق ترک‌نشین با دو هدف حذف اسلام به مثابه بنیان هویتی مردمان این مناطق و جایگزین کردن بنیان‌های هویتی نژادی و قومیتی در میان ایشان به منظور کاهش خطر اسلام که اکنون همچون غیریت و دیگری هویت غربی که پادشاهی، هویتی جدید خود را بر ایدئولوژی‌های ملی سکولار استوار ساخته بود از یک‌سو، و کسب منافع ژئوپلیتیک رقابتی به منظور دست‌اندازی بر ذخایر انرژی منطقه از سوی دیگر، دنبال می‌شد. در کنار اینها حفظ امنیت کشورهای بی‌بنیان نوظهوری چون اسرائیل که همواره تزايدات استراتژیک و امنیتی - اسلامی منطقه را به منزله تهدیدی برای هستی خود تلقی می‌کرد به رقابت‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی برای تسلط ایدئولوژیک بر این مناطق دامن می‌زد.

در این رابطه چنان‌که خواهیم دید، ویژگی‌های خاص جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک آذربایجان ایران، که از قضا همچون کبک و شاه‌گ‌اصلی حفظ منافع امنیتی کشورهای همجوار نیز به شمار می‌رود، در طول تاریخ، آن را در کانون توجه امپراتوری‌ها، حکومت‌ها و احزاب مختلف سیاسی با رویکردهای مختلف مخصوص به خود قرار داده است؛ این ویژگی‌های خاص، آذربایجان را در طول تاریخ خود، به خصوص در آنجا که حدود تمرکز این تحقیق بر آن مبتنی است، از سه وجه مورد دست‌اندازی و طمع‌ورزی قرار داده است که وجه اول آن مبتنی است بر اشاعه ایده پان‌ترکیسم در میان آذری‌ها و آذربایجان؛ این موضوع در هنگامه جنگ جهانی اول و پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که منجر به فروپاشی نظام تزاری روسیه و تفکیک و استقلال ملل تحت حاکمیت تزارها به پنج جمهوری مستقل قفقاز شد، و آذربایجان نامیدن یکی از این جمهوری‌های تازه مستقل (بخش‌های جنوبی قفقاز) توسط حزب مساوات، با هدف احیای امپراتوری عثمانی و تشکیل اتحاد اتراک و در یک کلام سرزمین بزرگ توران، نمود پیدا کرد؛ طی این فرایند استقلال‌یابی، گرچه جمهوری آذربایجان طی دوره دو ساله استقلال خود سعی در ایجاد

روابط مسالمت‌آمیز با ایران داشت، اما بعدها با سقوط ذولت مساواتی جمهوری آذربایجان در آوریل ۱۹۲۰ و قرار گرفتن آن تحت حاکمیت بلشویک‌ها و تبدیل آن به جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، نه تنها نام بلکه مرام سیاسی و روابط خارجی این کشور نیز تغییر یافته و بر خلاف ماهیت و هدف اولیه آن در کسب استقلال، به پایگاهی برای کسب توسعه‌طلبی ارضی و باج‌گیری اقتصادی شوروی از مناطق همجوار تبدیل شد؛ اگرچه از همان آغاز، نام‌گذاری این بخش از قفقاز به آذربایجان خبر از طرح توطئه‌ها و اهدافی بلندمدت می‌داد که به تبع آن منجر به بروز واکنش‌ها و جریاناتی از سوی احزاب، روشنفکران و زرده‌های مردمی شد؛ - چنان‌که حزب دموکرات آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی (۱) - ستاد این اعتراضات بودند - اما این بار پس از قرار گرفتن در زیر علم بلشویکی، حرکتی توسعه‌یافته‌تر، ظریفانه‌تر و به خصوص با رویکردهای فرهنگی و مضامین حقوق بشری نظیر رعایت حقوق مدنی و شهروندی آذری‌ها، ستم ملی‌فارس‌ها، تبعیض قومیتی، اتحاد دو آذربایجان آغاز شد که طیف وسیعی از راهبردهای فرهنگی و غیرفرهنگی اعم از پالایش زبانی و ضایع‌سازی - مثل تاریخ و جغرافیای منطقه، تحریف و مصادره به مطلوب شخصیت‌ها و مشاهیر آذربایجان ایران و قس علیهذا را در برمی‌گرفت؛ ، این استراتژی‌ها تنها در عمل با قوت پی‌گیری می‌شدند، بلکه در عالم نظر و اندیشه نیز با نگارش مقالات و کتبی ذیل مضامین بلند و در عین حال جعلی تمدنی و تاریخی، که توسط روشنفکران و آباء معنوی ایده‌پان‌ترکیسم یعنی اسرادی چمن ضیاء گوک آلپ، آکچوراوغلو، محمد امین رسول‌زاده و امثالهم با استناد به نظر، «ای ایستی - نژادی، استحکامات نظری و زیربنایی این دست استراتژی‌ها را در نظرگاه عامه تحت بحث بخشیده و در عین حال، میراثی فکری برای انتقال به نسل‌های بعدی فراهم می‌آورد و بر همین اساس بود که ادعا می‌شد، ترک ملتی است از نژادی واحد تحت عنوان غُر و بنابراین باید تحت حاکمیت واحدی ذیل عنوان توران بزرگ زندگی کند. نکته مهم در این میان، توجه به خاستگاه گفتمانی ایدئولوژی پان‌ترکیسم است که در درجه اول بسترهای رشد آن توسط کشورهای غربی و اروپایی با اهداف استعماری و حذف و هدم اسلام به‌عنوان دیگری هویت غربی فراهم شد و پس از آن طی مجموعه اقدامات و راهبردهایی که شرح آن خواهد رفت، توسط روشنفکران وابسته داخلی مورد تکوین واقع شد.

به هر صورت، گرچه پان‌ترکیسم در قالب جریانی فکری - فرهنگی سعی در همه‌گیر کردن خود در میان کشورهای دارای جمعیت ترک‌زبان کرد، اما نهایتاً بنا به دلایل مختلف از جمله علایق و پیوستگی‌ها و اولویت‌های مذهبی و ملی توده‌های مردمی نتوانست جایگاه پایداری در میان ملت‌های ترک‌زبان پیدا کند؛ به خصوص این‌که پس از تأسیس ترکیه نوین و تلاش برای معرفی آن به مثابه دولت - ملّتی نیرومند و دارای مرزهای جغرافیایی مشخص، راهبردها برای دستیابی به توران بزرگ تغییر یافته و از شکل سیاسی و نظامی گری به هیتی فکری - فرهنگی در آمد که با اهتمام بدان، فرصت بهتری برای عرضه منجمد - نولوژی‌ها و مضامین مورد نظر از طریق مجامع پژوهشی و مکتوبات فراهم شده و بدین وسیله تأثیرات پایداتری نیز نسبت به نفوذ اندیشه پان‌ترکیسم در طول سالیان و در اندیشه نسل‌ها صورت می‌گرفت؛ بعدها با افزایش توان سیاسی ترکیه، این کشور که خواهان تبدیل شدن به یکی از کشورهای منطقه و به خصوص در میان جمهوری‌های تازه استقلال یافته بود و برای رسیدن به این هدف، ایران (الگوی اسلامی) را همچون رقیبی نیرومند می‌دید با تدارک مجموعه اقدامات سلبی و ایجابی از یک سو سعی در جلب ملل تازه استقلال یافته قفقاز از طریق تغییر خط‌الما از روسی به لاتین، ایجاد تسهیلات رفاهی و آموزشی برای مهاجران جمهوری‌های تازه مستقل، تأسیس رسانه‌ها، برگزاری جلسات و کنگره‌های سالیانه‌ای چون مجمع ملل ترک داشت - از سوی دیگر در بُعد سلبی، با تلاش برای نفوذ در قلمروهای فرهنگی آذری ایران از طریق تولید ادبیات جدید و تحریف تاریخ سعی در نفوذ در میان آذری‌های ایران و تلاش برای جدا سازی ایشان از سرزمین خود داشت تا بدین وسیله، با تجمیع ملل ترک ذیل عنوان توران بزرگ، به احیای دوباره امپراتوری عثمانی بپردازد، گرچه علی‌رغم همه این تلاش‌ها ایده پان‌ترکیسم نه در میان آذری‌های ایران و نه حتی در خود ملت ترکیه، به رسمیت شناخته نشد و جدی گرفته نشد.

وجه دوم نقش بیگانگان در تحولات آذربایجان، به نقش شوروی در تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان (۲) مرتبط است. مرور تاریخ نشان‌دهنده آنست که، زاویه دید اتحاد جماهیر شوروی به آذربایجان ایران، علاوه بر آن‌که به وصیت پطرکیبر مبنی بر دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس مبتنی بود، بر نوعی نگاه منفعت‌طلبانه اقتصادی - سیاسی ناشی از طمع‌ورزی به ذخایر انرژی آذربایجان اتکاء داشت؛ این نگاه، به‌ویژه پس از وقایع شهریور

۱۳۲۰ و در جریان جنگ جهانی دوم با به‌اشغال درآمدن بخش‌هایی از مناطق شمالی ایران و از آن جمله آذربایجان توسط روس‌ها و با اجرای عملیات جاسوسی - اطلاعاتی وسیعی از سوی دستگاه حکومتی شوروی و با همکاری نیروهای ک.ک.ب. (پلیس مخفی شوروی) در آذربایجان ایران قوت گرفت، تا چنانچه در مناسبات سیاسی رسمی بهره‌ای از ذخایر عظیم انرژی ایران در رقابتشان با نیروهای متفقین نرسید، با در دست داشتن اطلاعات همه‌جانبه و دقیق امکان اعمال فشار از راه اتخاذ راهبردهای غیررسمی برای ایشان فراهم باشد؛ این تقابل راهبرد خیلی زود و پس از عملیات ناموفق کافارادزه در تهران برای کسب امتیاز نفت خود را نشان داد و شوروی را ناتوان از اقناع حکومت ایران، به راهبردهایی مختلف از جمله، تأثیرگذاری در دستگاه‌های رسمی کشور از جمله مجلس چهاردهم از طریق سست‌های حمایت حزبی (با تأکید بر حزب توده) و حمایت و معرفی کاندیدای مورد نظر خود آشکار شد و پس از آن با عدم توفیق حزب توده در اتخاذ عملکردی مناسب در بحث کسب امتیاز نفت، متوسل به سومین راهبرد از پیش تعیین شده خویش، یعنی اقدام به برقراری حکومت خودمختار آذربایجان برای اعمال فشار بر حکومت ایران شدند، و از این رو، با اعمال فشار دولت ایران سعی در تضعیف آن برای کسب امتیازات مورد نظر خود کردند؛ بر این اساس، با اعلانی محرمانه از سوی استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی، دستوری محرمانه مبنی بر تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان در چند محور شامل: تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان و انحلال و تجمیع حزب توده در آن، تلاش برای گسترش امکانات توسعه‌ای و رفاهی، امور و بلیغات فرهنگی، تأمین مالی و تسلیحاتی صادر شد و بدین ترتیب، شوروی در چرخشی صد و هشتاد و نه‌ای از مواضع مارکسیستی خود، که مطابق با آن پرداختن به مباحث قومیت و ملیت امری «شگرذ سرمایه‌دارانه و انحرافی ایدئولوژیک» (کچویان، ۱۳۸۷: ۱۰۷) به حساب می‌آورد، دست کشید و با تجمیع و انحلال حزب توده در فرقه دموکرات آذربایجان، با تکیه بر دو شعار خودمختاری و کاربرد زبان محلی به حرکت خود ادامه داد و اقدام به تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان کرد. این فرقه در طول یک سال با حمایت همه‌جانبه شوروی اعم از حمایت‌های اقتصادی، سیاسی، تسلیحاتی و نظامی و با استفاده از راهکارهای مطبوعاتی، تأسیس انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی، تولید متون ادبی و تاریخی، توجه به سطح

رفاه و بهداشت و امور توسعه‌ای و زیربنایی آذربایجان در ساخت بیمارستان، راه و مدارس، چنان‌که در فرمان استالین آمده بود، و سپس با نهادهای و سازمان‌دهی به نیروهای خویش ذیل تشکیلاتی چون مجلس شورای ملی، هیئت مؤسسان، پادگان‌های نظامی و غیره عملاً آذربایجان را برای مدت یک‌سال به حوزه‌ای خودمختار و مستعمره تبدیل کرد؛ چنان‌که نیروهای ارتش برای آزادسازی آذربایجان قصد ورود به این ناحیه را داشتند با مقاومت نیروهای نظامی فرقه دموکرات مواجه شده و ناگزیر به اقدام از راه‌های بین‌المللی چون اعتراض به شورای امنیت سازمان ملل و واسطه قرار دادن کشورهایی چون امریکا شدند و در نهایت با برقراری جلساتی که نخست‌وزیر وقت - قوام (احمد قوام السلطنه) - با استالین و سیدجعفر پیشه‌وری صورت داد دولت ایران توانست ضمن پس گرفتن آذربایجان، حداقلی‌ترین امتیازات را به فرقه دموکرات و شوروی بدهد و سرانجام با کاربرد همزمان سیاست واسطه‌گری، در سال ۱۳۲۵ شمسی به عمر یک ساله حکومت فرقه دموکرات (پیشه‌وری) خاتمه داد.

اما، با فروپاشی فرقه در داخل ایران عملیات‌های تجزیه‌طلبانه در خارج از مرزهای ایران و با همکاری باکو و در مرحله‌ای بعد توسط کشورهای فرامنطقه‌ای استمرار یافت چنان‌که؛ پس از فروپاشی فرقه دموکرات و گزینش عده‌ای از اعضای سابق این فرقه به جمهوری آذربایجان، فعالیت‌های این گروه در قالب تشکیلات - سات و گروه‌هایی‌ها برای نجات به اصطلاح آذربایجان جنوبی!!، ترویج ادبیات - رت در زمینه جدایی دو آذربایجان، تشکیل سرود و پرچم ملی جدید، برگزاری کنگره‌ها (مجلس‌ها) بین‌المللی با محوریت آذربایجان جنوبی استمرار یافته است؛ به نحوی که می‌توان باکو را به عنوان پایگاه جدید تجزیه‌طلبی قومی در ایران نام‌گذاری کرد، به نحوی که سران و کارگزاران رسمی این حکومت یعنی افرادی چون حیدر علی‌اف و ابوالفضل ایلچی بیگ پیوسته در سخنانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات تجزیه‌طلبانه حمایت و یا سایرین را به انجام آن تشویق می‌کردند. این موضوع البته، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و با سوء استفاده از شرایط کم‌ثبات پس‌انقلابی، شدت گرفته و در سال ۱۳۶۸ با شکستن میله‌های مرزی میان جمهوری آذربایجان و آذربایجان ایران به نقطه اوج خود رسید. جمهوری آذربایجان که به عنوان کشوری جدیدالتأسیس تازه پا به حیات سیاسی خود گذاشته بود، به دلیل فقدان

پیشینه تمدنی مستقل، با هدف تثبیت نوعی هویت ملی اعتباریابی در برابر سایر ملل، اقدام به جعل و تحریف تاریخ و جغرافیای آذربایجان ایران کرده و بدین طریق با نفی هویت دیگری، سعی در اثبات هویت خویشتن داشت؛ این کشور که در اقدامات تجزیه طلبانه خود از حمایت همه جانبه غرب برخوردار بود، در طول سالیان گذشته تا به امروز با برگزاری همایش ها و کنگره ها، ترسیم نقشه جدید و پرچم ملی جدید برای آذربایجان ایران، حمایت از چهره های تجزیه طلب داخلی چون محمود علی چهر گانی، برگزاری کنفرانس های بین المللی از جمله کنگره آذری های جهان و تأسیس تشکیلاتی چون «گاموح»، «امان»، سعی در پیشبرد ایده ستم بر آذربایجان جنوبی!! و خواست تجزیه طلبی و اتحاد دو آذربایجان کرده است.

در وجه سوم این موضوع، سه ای از آنچه که تاکنون به عنوان منابع تهدیدات منطقه ای از سوی کشورهای منطقه اعمال می شود، در بعد منابع تهدید فرامنطقه ای نیز سیاست نفوذ به نحوی است که، با استفاده ابزار از کنگره های قومی به وسیله قدرت های مداخله گر با هدف ضربه پذیر کردن کشورهای دارای تنوع، مداخله صورت می پذیرد. مثال بارز در این مورد دو کشور امریکا و شریک منطقه آن اسرائیل است که هر یک با رویکردی حمایتی از دیگری و برای تأمین منافع امنیتی و اقتصادی سیاسی خود در منطقه، اقدام به صرف هزینه و اعمالی می کند که نهایتاً هدفی جز ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران و حفظ امنیت وجودی خویش در منطقه ندارند؛ این امر می یک، بررسی تاریخی، که به موجب آن امریکا از جنگ جهانی دوم با هدف تأمین منابع انرژی و امنیت و خود در رقابت با سایر رقبای به دخالت در امور آذربایجان ایران اهتمام ورزیده تا نخستین سال های پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اقدام به تدوین مجموعه سناریوهایی جهت شکست ایران کرده و طی سالیان بعد از انقلاب تا به امروز با تصویب و صرف هزینه های فراوان برای جدایی آذربایجان از ایران، و حتی با استفاده از خاک برخی کشورهای همسایه از جمله جمهوری آذربایجان و با تکیه بر ادعاهای حقوق بشری، حقوق مدنی و قومی و در اصل به عنوان نوعی ابزار فشار بر ایران برای کوتاه آمدن در سایر مسایل مورد اختلاف از جمله موضوعات هسته ای و امنیت رژیم اشغالگر همچنان ادامه دارد؛ چنان که هر از گاهی با انتشار سخترانی های آشکار و پنهان مسؤولان امریکایی بخشی از راهبرد و اهدافشان در

موضوع ایران و پتانسیل‌های قومی آن، آشکار می‌شود. این روند هم‌چنین، در برخی دیگر از کشورهای اروپایی چون سوئد، که ورود خود در قضایای مرتبط با ایران را توأم با منافعی می‌بیند، با اقداماتی چون تربیت و در اختیار قرار دادن جاسوسان به مجموعه‌های جاسوسی مرتبط با اطلاعات و گزارشات داخلی ایران، تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و حمایت‌های رسانه‌ای از چهره‌های تجزیه‌طلب قومی و نیز برگزاری تجمعات، گردهمایی‌ها و غیره استمرار دارد.

از یک سو قدرت‌های خارجی، با طمع‌ورزی نسبت به موقعیت استراتژیک ایران برای پی‌ریزی در جنگ و حفظ کمریندهای امنیتی خود حول منافع منطقه‌ای، و نیز چشم‌دوژی به منابع نفتی، هم در کسب تسلط بر ایران داشته و از سوی دیگر، کشورهای تازه تأسیسی که برای کسب اعتبار و وجهه بین‌المللی و هم‌چنین تأمین چارچوبی معنایی برای همراه کردن توده‌های محلی که ثبات هویتی‌شان در معرض تزلزل و ابهام قرار گرفته بود، در صدد برآمده با تحریر و بدل تاریخ و جغرافیای این سرزمین، هویتی جدید برای خود دست و پا کند. آنچه که بعداً در گفتمان‌های نظری تحت عنوان، «حق ملل در تعیین سرنوشت خویش» باب شد و اقدامات بسیاری از آن که با ابزارهای گوناگون حزبی، مطبوعاتی، نظامی و سیاسی در پیش گرفته شد، هرکسی برای تأمین این اهداف بود.

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، آنچه نمونه قدرت‌بندی هویت قومی را در این دوره تعیین می‌کرد، اساساً به امری بیرون از جامعه ایران ارتباط داشت؛ گرچه که نابسامانی اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌های دیکتاتور مآبانه ساختن به‌لوی در تحمیل و فراگیر کردن ایده ناسیونالیسم، نوعی بان‌ایرانیسم به‌عنوان ایدئولوژی در برابر اسلام، عدم توجه به معیشت روزمره مردم نواحی آذربایجان علی‌رغم نقش تأثیرگذار ایران در برهه‌های حساس مملکت از جمله دوران مشروطه، بعد منفی این معادله را می‌ساخت و برخی روشنفکران و نخبگان سیاسی نیز با تکیه بر همین نقاط و بزرگنمایی آنها سعی در بسیج توده‌ها در جهت اغراض خود می‌کردند؛ اما بعد ایجابی و اثرگذار آن در پیوند با تحولاتی بود که طی فرایندهای تاریخی یاد شده منجر به جابه‌جایی‌های گسترده لایه‌های ارضی و ایجاد کشورهای تازه تأسیس مدعی خودمختاری بود. در همین راستا بود که، چپ‌گرایانی متعلق به طبقه پایین (چون پیشه‌وری) که دلبستگی و تعهد چندانی به حکومت مرکزی و

ساختار سیاسی حاکم نداشته و بنابر خاطرات تلخ گذشته خویش، خواهان انتقام‌گیری از حکومت بودند، به ایزاری برای تأمین منافع قدرت‌های خارجی تبدیل شدند.

به هر حال، علی‌رغم استفاده از احساسات و نمادهای قومی، حقیقت ماجرا آن است که، تأکید بر قومیت و مؤلفه‌های هویت قومی، به‌عنوان نوعی ابزار برای منافع مادی و سیاسی بازیگرانی که وفاداری، دلمشغولی و هدف اساسی آنها قومی نبود و تنها از جانب نخبگان در جریان رقابت با دیگر نخبگان داخل گروه خود و یا با نخبگان سایر گروه‌های قومی، و به منظور دستیابی به اهداف مربوط به بسیج سیاسی توده‌های مردم، تفسیر و تعبیر مظاهر فرهنگ گروه و نیز دستکاری و تحریف آنها، مورد استفاده قرار می‌گرفتند. (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۲)

با ذکر چنین ملاحظات، بررسی نقش، اهداف، استراتژی‌ها و راهبردهای قدرت‌های خارجی منطقه‌ای و فرامدرسه‌ای در پیوند با آنچه که تجزیه‌طلبی خوانده می‌شود از چند جهت ضروری است: اول آن که این موضوع بخشی از تاریخ و گذشته کشور را در همه ابعاد قابل تصور درگیر خویش کرد است. از سوی دیگر در دوران معاصر نیز، بر واقعیت تاریخی ایران و جایگاه حساسیت‌ساز آن در منطقه و جهان تأثیر گذارده و توجه بسیاری از قدرت‌ها را از این حیث به خود جلب کرده است؛ این قدرت‌ها از یک سوی با تصرف و اشغال بخش‌هایی از سرزمین ما در برهه‌ای از تاریخ ایجاد احزاب و فرقه‌های وابسته و استعمار مستقیم و غیرمستقیم کشور، تأثیرات عمیقی را بر تاریخ اجتماعی و سیاسی این مملکت بر جای گذاشته‌اند که شناخت و بررسی ابعاد این تأثیرات، نقش آنها جهت برنامه‌ریزی‌های هویتی، مدیریت تحولات قومی و تأمین امنیت و انسجام ملی ضروری است و از سوی دیگر، استمرار روندهای تجزیه‌طلبانه با پوشش نهادهای مطبوعاتی، رسانه‌ای و حتی حزبی و دانشگاهی که احتمال تضعیف پیوندهای ریشه‌دار نسل‌های جدید قومی را با هویت ملی و سرزمینی وی قوت بخشیده و بالطبع، حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را از مشارکت‌ها و درهم‌تنیدگی‌های قومی محروم ساخته و مآلاً هستی هویتی و ساختارهای حیات جمعی را تخریب سازد.

بدین ترتیب و بر مبنای این ضرورت، بحث حاضر با تمرکز بر محدوده زمانی پس از مشروطه تا اکنون، با طرح دو پرسش:

یک: تلاش قدرت‌های خارجی برای ایجاد تحرکات قومی در آذری‌های ایران، ناظر به چه اهدافی بوده است؟

دو: استراتژی و راهبردهای قدرت‌های خارجی، در تأمین اهداف خود از چه مسیرهایی می‌گذشت؟

با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد اولیه و ثانویه، شامل مراجعه به کتب تحلیلی - تاریخی، اسناد، خاطرات، خودزندگی‌نامه‌ها، آرشیو روزنامه‌ها، سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و نیز مراجعه به افراد مطلع سعی در ارائه توصیفی منسجم از چرایی و چگونگی نقش بیگانگان در تحولات قومی - محلی آذری‌ها دارد که بدین منظور در یک بررسی تاریخی، بحث ظهور جریانات پان‌ترکیستی، برآمدن فرقه دموکرات آذربایجان و تهدیدات فر منطقه‌ای مرتبط با آذری‌های ایران به‌عنوان سه محور برجسته این مسأله مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بر این اساس با توجه به اهمیت و محوریت بررسی تاریخی این موضوع با تکیه بر مستندات که تا پیش از این در اختیار مخاطبان نبود و با باز شدن آرشیوهای شوروی بخش‌هایی از حقیقت را در بحث چرایی و چگونگی برآمدن فرقه دموکرات آذربایجان در اختیار ما نهاد، نلنگه ما به بحث با رویکردی توصیفی توأم خواهد بود، ضمن آن‌که به فراخور هر بحث، نقیب نیز به علل و احتمالات مطروحه از سوی تحلیل‌گران مختلف زده خواهد شد.